

رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت با نقش میانجی تعارض زناشویی

علیرضا شفاغی کنزق

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور واحد آستارا.

چکیده

خانواده در دهه‌های اخیر به گونه‌ای روزافزون با مخاطرات زیادی مواجه بوده است. بسیاری از خانواده‌ها در عملکردهای احساسی، شناختی و اجتماعی دچار اختلال شده‌اند که این خود موجب شده است اعضای خانواده رضایت کمتری را تجربه کنند. عدم رضایت در خانواده افراد را به سمت اختلالات روانی و ناپهنجاری‌های اجتماعی سوق می‌دهد و این خود می‌تواند موجب طلاق شود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت با نقش میانجی تعارض زناشویی انجام شده است. طرح پژوهشی حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی واقع در شهر اردبیل در بهار سال ۱۴۰۲ بود. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و براساس فرمول کلاین تعداد ۲۵۰ نفر انتخاب گردید. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸)، پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی، ذاکر و دیگران (۱۳۸۷) استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه‌ای دارد. همچنین متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی علاوه بر اثر مستقیم و معنادار بر متغیر درونزاد گرایش به خیانت با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۲ دارای اثر غیر مستقیمی بر این متغیر از راه میانجی گری متغیر تعارضات زناشویی نیز با ضریب استاندارد ۰/۱۹۳ می‌باشد. همچنین میزان برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بدون آنکه اثر مستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد نهایی گرایش به طلاق داشته باشد، دارای اثر غیر مستقیم با ضریب استاندارد ۰/۱۰۹ با میانجی گری تعارضات زناشویی است.

واژگان کلیدی: تعارض زناشویی، گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی، گرایش به طلاق و خیانت

۱. مقدمه

خانواده^۱ را می‌توان اساسی‌ترین نهاد جامعه در کلیه جوامع بشری، پایه و اساس اجتماع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ انسان دانست (صادقی و عرفان منش، ۲۰۱۳). اگر نهاد خانواده در جامعه از سلامت برخوردار باشد، می‌توان گفت که آن جامعه نیز به سمت سلامت پیش خواهد رفت. به گونه‌ای که می‌توان اذعان کرد که سلامت یا عدم سلامت یک خانواده تضمین کننده شکوفایی یا فروپاشی یک جامعه است (کوهن و استرانگ، ۲۰۲۰). نهاد خانواده با ازدواج شکل می‌گیرد. ازدواج را می‌توان یکی از اساسی‌ترین و ممتازترین رسوم مدنی دانست که افراد جهت ارضای نیازهای عاطفی، جنسی و امنیت به سمت آن سوق پیدا می‌کنند. ازدواج را می‌توان شکلی از روابط انسانی در نظر گرفت که عملکردی پویا دارد و اگر ازدواج سلامت و روابط در آن صمیمی و سازنده باشد؛ باعث شکوفایی و توسعه فردی در اعضا می‌شود (فریر، ۲۰۲۰).

خانواده در دهه‌های اخیر به گونه‌ای روزافزون با مخاطرات زیادی مواجه بوده است. بسیاری از خانواده‌ها در عملکردهای احساسی، شناختی و اجتماعی دچار اختلال شده‌اند که این خود موجب شده است اعضای خانواده رضایت کمتری را تجربه کنند. عدم رضایت در خانواده افراد را به سمت اختلالات روانی و ناپهنجاری‌های اجتماعی سوق می‌دهد و این خود می‌تواند موجب طلاق^۲ شود (ونگ و دیگران، ۲۰۱۵). طلاق در واقع تحت عنوان گسستن اساسی‌ترین نهاد جامعه یعنی خانواده تعریف می‌شود. در واقع طلاق را عملی قانونی نیز می‌توان در نظر گرفت چرا که پایان رابطه زناشویی زیر نظر سازمان‌های مربوطه ثبت می‌شود (هارکونن، ۲۰۱۴). طلاق را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی نمود. اولین جنبه روانی است چرا که این عمل باعث ایجاد مشکلات روانشناختی در اعضای خانواده و حتی بستگان و دوستان می‌شود، دومین جنبه، جنبه اقتصادی می‌باشد؛ چرا که از لحاظ مالی مشکلاتی برای اعضا ایجاد می‌شود (ونگر، ۲۰۲۰) و جنبه بعد، اجتماعی است، زیرا این عمل بر اساس فرهنگی که در جامعه حاکم است به اشکال گوناگون در جامعه تعبیر می‌شود (گاتمن، ۲۰۱۴). باید در نظر داشت پس از ازدواج بیشتر افراد از خود و همسرشان انتظار دارند که در طول ازدواجشان از نظر جنسی و عاطفی وفادار بمانند. زمانی که فردی ازدواج می‌کند انتظار دارد که در یک رابطه وفادارانه قرار بگیرد و شریک زندگی فرد چه از لحاظ جنسی و چه عاطفی وفادار باشد. همچنین وفاداری از نظر جامعه نیز امری با اهمیت تلقی می‌شود و داشتن رابطه^۳ بیرون از ازدواج عموماً یک رفتار مذموم برشمرده می‌شود. یکی از معضلاتی که اغلب زوجها را به روان‌درمانی و در مرحله آخر طلاق^۴ سوق می‌دهد داشتن روابط خارج از محدوده ازدواج یا همان خیانت^۵ است (کلایتون، ۲۰۱۴). عمده‌ترین و با اهمیت‌ترین عاملی که موجب بی‌ثباتی کارکرد خانواده و اختلال در روابط زناشویی می‌باشد، خیانت زناشویی است. این امر خانواده را

¹ family

² Cohen, T. F.

³ Strong, B.

⁴ Ferrier, S.

⁵ divorce

⁶ Wang, Y. H.

⁷ Härkönen, J.

⁸ Wagner, M.

⁹ Gottman, J. M.

¹ infidelity

Clayton, R. B.

با مشکلات اساسی رو به رو می‌کند از این رو مورد توجه روانشناسان قرار گرفته شده است (فینچام^۱ و می^۲، ۲۰۱۷). خیانت زناشویی در زمان تأهل موجب شوک عمیقی به شریک زندگی و خانواده می‌گردد. خیانت آسیبی است که در زندگی هر زوجی امکان اتفاق آن وجود دارد (فای^۳ و میمز^۴، ۲۰۱۹). این امر باعث می‌شود که همسر فرد و به طور کل تمام خانواده ضربه^۵ انکار ناپذیری ببینند. خیانت را می‌توان شکلی از رابطه احساسی یا جنسی که با شخصی جز شریک زندگی برقرار می‌شود تعریف نمود، لازم به ذکر است که این عمل به صورت پنهانی انجام می‌شود (اروج^۶ و انجم^۷، ۲۰۱۵). به تعبیر دیگر خیانت، برقراری رابطه جنسی یا وقف منابع عاطفی مانند عشق، زمان و توجه به فردی غیر از شریک زندگی است. معمولاً خیانت عاطفی از خیانت جنسی جدا در نظر گرفته می‌شود اما نمی‌توان مرز مشخصی میان این دو در نظر گرفت چرا که عموماً باهم اتفاق می‌افتند (گیترا^۸ و دیگران^۹، ۲۰۱۷). این امر آثار ویرانگری را دربر دارد و از اساسی‌ترین عوامل عدم رضایت زناشویی و بنیان تعارضات زناشویی (شیرن^{۱۰} و دیگران^{۱۱}، ۲۰۱۸) و طلاق در نظر گرفته می‌شود (بورست^{۱۲}، ۲۰۱۵). از طرف دیگر عوامل متعددی می‌توانند موجب بروز طلاق و خیانت زناشویی شوند، یکی از این عوامل استفاده از شبکه‌های اجتماعی اُلت (ویدیانتری^{۱۳} و دیگران^{۱۴}، ۲۰۱۹).

شبکه‌های اجتماعی یکی از عواملی هستند که می‌توانند بستر ساز شرایطی باشند که خیانت زناشویی اتفاق بیفتد و موجب کم شدن روابط و حتی طلاق شوند (مک دانیل^{۱۵} و دیگران^{۱۶}، ۲۰۱۷). در سال ۱۹۶۰ دانشگاه ایلی نیوز آمریکا اولین بار بحث شبکه‌های اجتماعی عنوان شد و پس از آن در سال ۱۹۹۷ نخستین سایت شبکه اجتماعی با نام سیکس دیگریس^{۱۷} راه اندازی شد (فتحی و دیگران^{۱۸}، ۱۳۹۳). شبکه اجتماعی با حضور اورکات در بین کاربران ایرانی در سال ۲۰۰۷ فراگیر شد و در زمان کمی آنقدر رشد کرد که پس از برزیل و آمریکا، ایران سومین کشور حاضر در اورکات شد (مجردی و دیگران^{۱۹}، ۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی را دیکشنری آکسفورد^{۲۰} (۲۰۱۶) به دو شکل تعریف نموده است. اول، شبکه‌ای از تعاملات اجتماعی و روابط شخصی، دوم، یک وب سایت اختصاصی یا دیگر برنامه‌ها که به کاربران اجازه می‌دهد با ارسال اطلاعات، نظرات، پیام‌ها، تصاویر و غیره با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. هر یک از دو توضیحی که درباره شبکه‌های اجتماعی داده شد، یک عنصر مشترک دارند و آن هم وجود تعامل میان دیگران است. شبکه‌های اجتماعی این امکان را به افراد می‌دهد که صفحه‌ای شخصی داشته باشند و آن را از اطلاعاتی پر کنند که دوست دارند دیگران درباره آن‌ها بدانند، به راحتی می‌شود در این شبکه‌ها با افراد جدید آشنا شد و دوستان قدیم خود را پیدا کرد، همچنین در این شبکه‌ها افراد به یکدیگر نظر می‌دهند و باهم تعامل دارند (به نقل از سلیمانی^{۲۱}، ۱۳۹۴). ارتباط، بخصوص ارتباطی که از عمق برخوردار باشد برای اغلب انسان‌ها خوشایند است، زمانی که فرد نتواند با دیگری ارتباط برقرار کند احتمال این که افسرده شوند بسیار بالا می‌رود (کلاس^{۲۲} و دیگران^{۲۳}، ۲۰۲۰). در دنیای کنونی بخصوص از زمانی که تکنولوژی در زندگی روزمره نقش پررنگی یافت؛ مفهوم و الگوهای ارتباطی پیشین خانواده شکلی تازه به خود گرفته‌اند و از محدوده تعاریف کهنه خارج شده‌اند، دگرگونی‌های ایجاد شده بخصوص افزایش گرایش افراد به استفاده از فضای مجازی موجب شده است که خانواده‌ها با چالش‌های بسیاری مواجه شوند و عملکرد آن‌ها مختل شود (رحیمی و دیگران^{۲۴}، ۱۳۹۶). زمانی که افراد یک خانواده بیش از حد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی

^۱Fincham, F. D.

^۲May, R. W.

^۳Fye, M. A.

^۴Mims, G. A.

^۵Urooj, A.

^۶Anjum, G.

^۷Guitar, A. E.

^۸Scheeren, P.

^۹Borst, J. B.

^{۱۰}social media

^{۱۱}Widiantari, M. M.

^{۱۲}McDaniel, B. T.

^{۱۳}3x degrees

^{۱۴}The Oxford Dictionary

^{۱۵}Keles, B.

می‌پردازند، روابط اعضا دچار خلل می‌شود و افراد از یکدیگر فاصله می‌گیرند و فضای خانواده به گونه‌ای می‌شود که علی‌رغم این که افراد در کنار هم زندگی می‌کنند اما با یکدیگر تعامل کمتری خواهند داشت؛ عاطفه کمتری به یکدیگر نشان می‌دهند و ارتباطات کم عمق‌تری برقرار خواهند کرد (رید چاسیاکوس^۱ و دیگران، ۲۰۱۶). آمارها حاکی از آن است که اعتیاد به اینترنت می‌تواند باعث بروز تعارضات و مشکلاتی در نظام خانواده و روابط زناشویی شود که پدیده طلاق عاطفی و در نهایت طلاق قانونی از نتایج چنین مشکلاتی است (پیکانیان و فرهادی، ۱۳۹۵). شبکه اجتماعی ممکن است منجر به افزایش خیانت زناشویی شود که خیانت خود از عوامل عمده نارضایتی زناشویی و همچنین دلیل اصلی درگیری‌ها و ناسازگاری‌ها و تعارضات زناشویی و جنسی می‌باشد (صحنی^۲ و جین^۳، ۲۰۱۸) و همچنین یکی از شاخص‌ترین موانع در روابط زناشویی و طلاق محسوب می‌شود (نورسیفا^۴، ۲۰۲۰).

اگرچه شبکه‌های اجتماعی احساسات مثبتی را برای مردم به ارمغان می‌آورد؛ اغلب موجب دگرگونی‌هایی می‌شود که نتایج چشمگیری به دنبال خواهد داشت؛ یکی از با اهمیت‌ترین این نتایج تعارض زناشویی است (فرانکل^۵ و دیگران، ۲۰۱۵). زمانی که دو نفر به صورت زن و شوهر در کنار هم هستند، به علت ماهیت تعامل آن‌ها، تعارض امری اجتناب‌ناپذیر می‌شود، مواقعی وجود دارد که زوجها با یکدیگر اختلاف نظر دارند و قادر نیستند نیازهای هم را برآورده سازند و این خود موجب بروز خصومت و تعارض خواهد شد. تعارض زناشویی شکلی از روابط زناشویی است که در آن رفتارهای قهرآمیز مثل اهانت و سرکوفت، عیب جویی و حمله بدنی وجود دارد و همسران نسبت به هم احساس کینه توزی، تنفر و غضب دارند و هر یک معتقدند که دیگری فرد ناپسند و نابهنجاری است که باعث آزار و زحمت او می‌شود (علی^۶ و دیگران، ۲۰۲۲). تعارض زناشویی از نظر کیکولت گلاسر و دیگران (۱۹۹۳) برآمده از ناهماهنگی همسران در نوع نیازها، شیوه‌های برطرف کردن آن‌ها، خودپسندی، تفاوت در خواسته‌ها و رفتارهای غیرمسئولانه نسبت به روابط زناشویی و ازدواج است (به نقل از کیکولت گلاسر^۸، ۲۰۱۸). زمانی که تعارض‌های زناشویی شدید شود ممکن است پیامدهایی چون طلاق قانونی یا عاطفی (پیکانیان و فرهادی، ۱۳۹۵) و خیانت زناشویی را به دنبال داشته باشد (عطاپور و دیگران، ۲۰۲۱). به نظر می‌رسد با تغییراتی که به واسطه رشد و پیشرفت تکنولوژی و در ادامه آن گسترش فعالیت در شبکه‌های مجازی، نهاد خانواده به عنوان یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین بخش یک جامعه در معرض آسیب‌های بسیاری از جمله طلاق و خیانت قرار گرفته است. همچنین با توجه به مطالب عنوان شده، تعارض‌های زناشویی عنصری است که می‌تواند در تشدید و بروز این نابهنجاری‌ها نقش داشته باشد (گنجی و دیگران، ۱۳۹۴).

فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان مدل سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در خانواده‌های تهرانی نشان دادند که بین متغیر مستقل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و متغیر وابسته تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ لیکن اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق متغیرهای واسطه صمیمیت، از خودبیگانگی، دین داری، سلامت روانی و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها بر متغیر وابسته تعارضات زناشویی تأثیرگذار و دارای رابطه‌ای معنادار است که از این بین، متغیر صمیمیت زناشویی (به میزان ۰/۳۶)، دارای بیش‌ترین مقدار ضریب تأثیر می‌باشد. رضاپور، ذاکری و ابراهیمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به پیش‌بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار و با خودشیفتگی و تعارض زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. هم‌چنین بین تعارض زناشویی با خودشیفتگی رابطه مثبت معنادار و با ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار وجود دارد. شبکه‌های اجتماعی با تأثیرات منفی روی

¹Reid Chassiakos, Y. L.

²Sahni, S. P.

³Jain, G.

⁴Nursyifa, A.

⁵marital conflict

⁶Frankel, L. A.

⁷Ali, P. A.

⁸Kiecolt-Glaser, J. K.

روابط زوجین و احساس آن‌ها نسبت به یکدیگر و از سویی دیگر، با تقویت خودشیفتگی، باعث مشکلات ارتباطی مختلف و کاهش احساس‌های مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و تعارضات زناشویی می‌شود. اولومی^۱ و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان رسانه‌های اجتماعی، مبنایی برای بی‌ثباتی زناشویی و خشونت خانگی نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی در افزایش تعارضات زناشویی و به خصوص خشونت‌های خانگی نقش مهمی دارند. گول^۲ و دیگران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر رفتار زوج‌های متأهل پرداختند. نتایج نشان داد که اعتیاد به استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر بروز اختلافات و برخی احساسات منفی در بین زوجین و همچنین تعارضات زناشویی اثرگذار است.

نبی‌آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین نشان دادند که سلامت خانواده اصلی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد. همچنین مهارت‌های ارتباطی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد و هر یک از متغیرهای تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق نیز به صورت مستقیم در ارتباط هستند. جانسون^۳ و دیگران (۲۰۲۳) رابطه بین راهبردهای مدیریت تعارض و احتمال طلاق را در میان زوج‌هایی که دچار پریشانی زناشویی می‌شوند را مورد بررسی قرار داد. این مطالعه نشان دادند که زوج‌هایی که از استراتژی‌های مدیریت تعارض خودتنظیم‌تری مانند ذهن‌آگاهی و تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند، نسبت به زوج‌هایی که بیشتر به راهبردهای اجتناب از تعارض یا راهبردهای حل تعارض پرخاشگرانه متکی هستند، کمتر احتمال دارد طلاق بگیرند. نویسندگان پیشنهاد کردند که آموزش راهبردهای خودتنظیمی به زوج‌ها می‌تواند راهی مؤثر برای کاهش احتمال طلاق در بین زوج‌هایی باشد که دچار پریشانی زناشویی هستند. فینکل^۴ و دیگران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای نقش شفقت به خود را در کاهش اثرات منفی تعارضات زناشویی بر استعداد طلاق بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که سطوح بالاتر شفقت به خود با سطوح پایین‌تری از تمایل به طلاق، حتی در بین زوج‌هایی که سطوح بالایی از تعارضات زناشویی را تجربه می‌کنند، مرتبط است. نویسندگان پیشنهاد کردند که تمرین شفقت به خود می‌تواند به زوج‌ها کمک کند تا با احساسات دشوار بهتر کنار بیایند و مهارت‌های ارتباطی و حل مشکل را بهبود بخشند و در نتیجه خطر طلاق را کاهش دهند.

نیک‌منش و امیری‌مقدم (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف بررسی و ارزیابی نگرش به خیانت و رابطه آن با دلزدگی و تعارض زناشویی نشان دادند که بین نگرش به خیانت با دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین نگرش به خیانت پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی می‌باشد. چن^۵ و دیگران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای نقش نامنی‌دلبستگی را در رابطه بین تعارض زناشویی و خیانت بررسی کرد. این مطالعه نشان داد که در بین افراد با سطوح بالای نامنی‌دلبستگی، تجربه تعارض زناشویی با احتمال بیشتری نسبت به تجربه سطوح پایین تعارض زناشویی با احتمال خیانت همراه بود. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که شناسایی و رفع نامنی‌دلبستگی در زوج‌هایی که سطح تعارض زناشویی بالایی دارند، می‌تواند از وقوع خیانت جلوگیری یا کاهش دهد. سولیس^۶ و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی رابطه بین تعارض زناشویی و خیانت را در زوج‌هایی با رفتارهای جنسی پرخطر بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که زوج‌هایی که سطح تعارض زناشویی بالایی دارند، بیشتر از زوج‌هایی که سطح تعارض زناشویی پایینی دارند، درگیر روابط خارج از ازدواج هستند. علاوه بر این، این مطالعه نشان داد که وجود علائم سلامت روان در هر یک از طرفین، احتمال خیانت را در زوج‌هایی که سطح بالایی از تعارض زناشویی دارند، بیشتر می‌کند. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که پرداختن به علل ریشه‌ای تعارضات زناشویی و ارتقای مهارت‌های ارتباطی سالم و حل مسئله می‌تواند خطر خیانت را در زوج‌های پرخطر کاهش

¹ Olawumi, K.

² Gull, H.

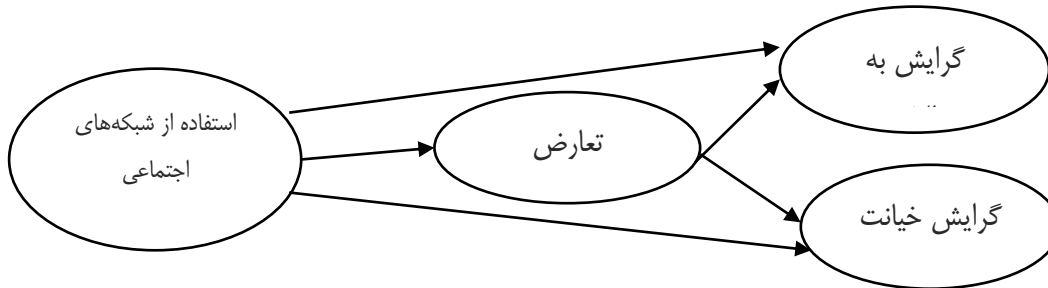
³ Johnson, M. D.

⁴ Finkel, E. J.

⁵ Chen, H.

⁶ Solis, J. G.

دهد. بنابراین سؤال پژوهش حاضر این است که آیا تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند؟ بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش به شرح زیر تدوین شد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش کار

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی واقع در شهر اردبیل (شامل: مرکز مشاوره حال خوب، مرکز مشاوره دکتر افخم شکرالهی، مرکز مشاوره دکتر یوسفی، مرکز مشاوره دکتر طلائیان) در بهار سال ۱۴۰۲ بود. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و حجم نمونه بر اساس فرمول کلاین ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد ماده‌های ابزارها است. حداقل تعداد نمونه‌ها نیز باید ۲۰۰ باشد (کلاین، ۲۰۱۶). بر اساس پژوهش حاضر، ۱۴ ماده مربوط به پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، ۱۲ ماده مربوط به پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸)، ۱۳ ماده مربوط به پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ۴۲ ماده مربوط به پرسشنامه تعارضات زناشویی (ثنایی، ذاکر و دیگران، ۱۳۸۷) است که مجموعاً ۸۱ ماده می‌شود. بر این اساس تعداد حداقل افراد نمونه (با ضرب نمودن ۸۱ در ۲/۵)، ۲۰۲ نفر بود که در این پژوهش در جهت اطمینان حجم نمونه ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸) و پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی بودند بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد و روش آمار استنباطی تحلیل مسیر برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

در این قسمت مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان با کمک ابزارهای آمار توصیفی در جدول ۱ گزارش می‌گردد.

جدول ۱- توزیع مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

درصد	تعداد	متغیر	
۳۶/۸	۹۲	مرد	جنسیت
۶۳/۲	۱۵۸	زن	
۱۰۰	۲۵۰	کل	
۱۸/۴	۴۶	۳۰-۲۵	گروه سنی
۳۹/۶	۹۹	۳۵-۳۰	
۲۳/۶	۵۹	۴۰-۳۵	
۱۳/۲	۳۳	۴۵-۴۰	
۵/۲	۱۳	۵۰-۴۵	

۱۰۰	۲۵۰	کل	تحصیلات
۴۹/۶	۱۲۴	دیپلم	
۷/۲	۱۸	فوق دیپلم	
۳۰/۸	۷۷	لیسانس	
۱۲/۴	۳۱	فوق لیسانس	
۱۰۰	۲۵۰	کل	

توصیف داده‌ها

در بخش توصیف داده‌ها به بررسی و توصیف متغیرهای اصلی تحقیق شامل متغیرهای گرایش به طلاق، گرایش به خیانت، تعارضات زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی همراه با خرده مقیاس‌های این متغیرها در میان افراد متأهل مراجعه کننده به خدمات روان شناسی و مشاوره به لحاظ آماره‌های گرایش به مرکز (میانگین)، گرایش به پراکندگی (انحراف معیار) و توزیع نمرات (چولگی و کشیدگی) پرداخته می‌گردد.

جدول ۲: توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	خرده مقیاس‌ها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
گرایش به طلاق	نمایل به طلاق	۵	۱۵	۹/۸۴	۲/۱۹	۰/۲۷۴	-۰/۱۳۴
	تمایل به مسامحه	۶	۲۶	۱۵/۹۴	۴/۳۹	-۰/۰۰۷	-۰/۳۸۹
	ابراز احساسات	۱۱	۳۴	۲۱/۱۲	۵/۲۴	۰/۴۹۲	-۰/۰۲۵
	وفاداری	۳	۱۵	۷/۷۶	۲/۴۳	۰/۱۹۸	۰/۵۰۳
	نمره کل گرایش به طلاق	۳۵	۷۵	۵۴/۶۶	۸/۲۰	۰/۰۱۱	-۰/۴۴۵
گرایش به خیانت	نمره کل گرایش به خیانت	۳۰	۵۵	۴۰/۰۶	۴/۹۵	۰/۷۵۹	۰/۷۴۱
تعارضات زناشویی	کاهش همکاری	۱۳	۲۳	۱۷/۳۸	۲/۴۴	۰/۲۰۹	-۰/۶۷۷
	کاهش رابطه ی جنسی	۱۳	۲۴	۱۷/۷۴	۲/۶۵	۰/۲۸۹	-۰/۴۸۲
	افزایش واکنش‌های هیجانی	۲۱	۳۶	۲۹/۶۸	۳/۱۰	-۰/۲۰۸	-۰/۰۶۹
	افزایش جلب حمایت فرزند	۱۳	۲۲	۱۷/۱۸	۲/۲۷	۰/۱۲۷	-۰/۶۰۶
	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۱۷	۲۹	۲۳/۱۸	۳/۰۱	۰/۰۴۳	-۰/۷۳۷
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	۱۵	۲۸	۲۱/۲۰	۳/۰۶	۰/۰۳۳	-۰/۶۱۷
	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱	۳۴	۲۶/۷۰	۵/۷۵	-۱/۲۶۳	۱/۲۶۱
	نمره کل تعارضات زناشویی	۱۲۳	۱۸۶	۱۵۳/۰۶	۱۵/۳۳	۰/۲۶۷	-۰/۴۱۸
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	نمره کل استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۴۱	۶۲	۵۰/۶۶	۵/۳۱	۰/۳۳۳	-۰/۴۱۴

جدول ۲ نتایج توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق را به همراه خرده مقیاس‌های آنان نشان می‌دهد. نتایج مبین آن است که میانگین نمره کل متغیر گرایش به طلاق در میان افراد ۵۴/۶۶ با انحراف معیار ۸/۲۰ می‌باشد که نشان می‌دهد میانگین به دست آمده از حد متوسط بازه ابزار بیشتر است. میانگین نمره کل گرایش به خیانت نیز ۴۰/۰۶ با انحراف معیار ۴/۹۵ است که نشان می‌دهد میانگین محاسبه شده از حد متوسط ابزار بیشتر می‌باشد. در خصوص متغیر تعارضات زناشویی میانگین نمره کل این متغیر نیز ۱۵۳/۰۶ با انحراف استاندارد ۱۵/۳۳ است که بیان می‌کند میانگین تعارضات زناشویی نیز در میان پاسخگویان از حد متوسط ابزار بالا است و در نهایت میانگین نمره کل استفاده از شبکه‌های اجتماعی ۵۰/۶۶ با انحراف معیار ۵/۳۱ است که این متغیر نیز از حد متوسط بازه ابزار بیشتر است. در مجموع نتایج آماره‌های توصیفی هریک از متغیرهای اصلی تحقیق نشان می‌دهد که پاسخگویان از شبکه‌های اجتماعی به میزان زیادی استفاده می‌برند. همچنین دارای تعارضات زناشویی بالایی نیز هستند و درکنار این موضوع دارای گرایش به طلاق و خیانت نیز می‌باشند.

چولگی و کشیدگی داده‌ها دو آزمون آماری برای ارزیابی میزان پراکندگی فراوانی داده‌ها بوده و برای بررسی نرمال بودن توزیع استفاده می‌شوند. در علم آمار چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می‌باشد. کشیدگی نیز نشان دهنده ی ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر با ۳ است. زمانی که چولگی داده‌های یک متغیر در بازه‌ی (۲، -۲) و کشیدگی آن متغیر در بازه‌ی (۳، -۳) قرار گیرند گویند که آن متغیر دارای توزیع نرمالی می‌باشد همانطور که از جدول ۴-۱ نیز پیدا می‌باشد، میزان توزیع کشیدگی و چولگی هریک از متغیرهای تحقیق در بازه‌ی (۲، -۲) قرار دارد؛ در نتیجه می‌توان بیان کرد که تمامی متغیرهای تحقیق از نظر توصیفی دارای توزیع نرمالی می‌باشند.

بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق

یکی از مهمترین پیش فرض‌های انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق است که این مهم توسط آزمون آماری کلموگروف-اسمیرنوف در این مطالعه انجام شده است. نتایج جدول ۳ حاکی از این مورد است.

جدول ۳ بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	آماره K-S	معناداری
گرایش به طلاق	۰/۰۹۲	۰/۱۸۴
گرایش به خیانت	۰/۱۲۵	۰/۰۶۵
تعارضات زناشویی	۰/۰۶۴	۰/۱۶۴
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰/۱۰۲	۰/۰۷۱

جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان معناداری متغیرهای اصلی تحقیق بالاتر از ضریب خطا ۰/۰۵ شده است در نتیجه می‌توان دریافت که تمامی متغیرهای اصلی تحقیق به لحاظ آمار استنباطی دارای توزیع نرمالی می‌باشند و پیش فرض نرمال بودن متغیرها مورد تایید قرار می‌گیرد.

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

جدول ۴: بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

متغیرها	۱	۲	۳	۴
گرایش به طلاق	۱			
گرایش به خیانت	**۰/۵۶۳	۱		
تعارضات زناشویی	**۰/۵۰۰	**۰/۴۶۴	۱	
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	**۰/۳۹۶	**۰/۲۷۹	**۰/۴۰۴	۱

** در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۴ نتایج بررسی همبستگی میان هریک از متغیرهای اصلی تحقیق را با آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای تعارضات زناشویی با ضریب $0/500$ و استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/396$ همبستگی مثبت و معناداری با متغیر گرایش به طلاق دارند. بدین معنا که میزان معناداری محاسبه شده از این روابط از سطح $0/01$ کمتر است. مبنی بر این که با افزایش تعارضات زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی میزان گرایش به طلاق نیز افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای تعارضات زناشویی با ضریب $0/464$ و استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/279$ همبستگی معنادار و مثبتی در سطح $0/01$ با متغیر گرایش به خیانت در میان پاسخگویان دارند. مبنی بر این که با افزایش تعارضات زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی میزان گرایش به خیانت نیز گسترش می‌یابد. در نهایت متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/404$ دارای همبستگی مثبت و معناداری با متغیر تعارضات زناشویی می‌باشد بدین معنا که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیز میزان تعارضات زناشویی بالا می‌رود.

بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین

یکی دیگر از پیش‌فرض‌های مهم در انجام مدلسازی معادلات ساختاری بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین در مدل است که توسط دو آماره عامل تورم واریانس^۱ و حداقل تحمل^۲ انجام می‌گیرد. زمانی که میزان همبستگی و همخطی میان متغیرهای پیش بین بالا باشد نتایج در مدل دچار تحریف خواهد شد.

جدول ۵: بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین

متغیرها	حداقل تحمل	عامل تورم واریانس
تعارضات زناشویی	$0/505$	$1/982$
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	$0/505$	$1/982$

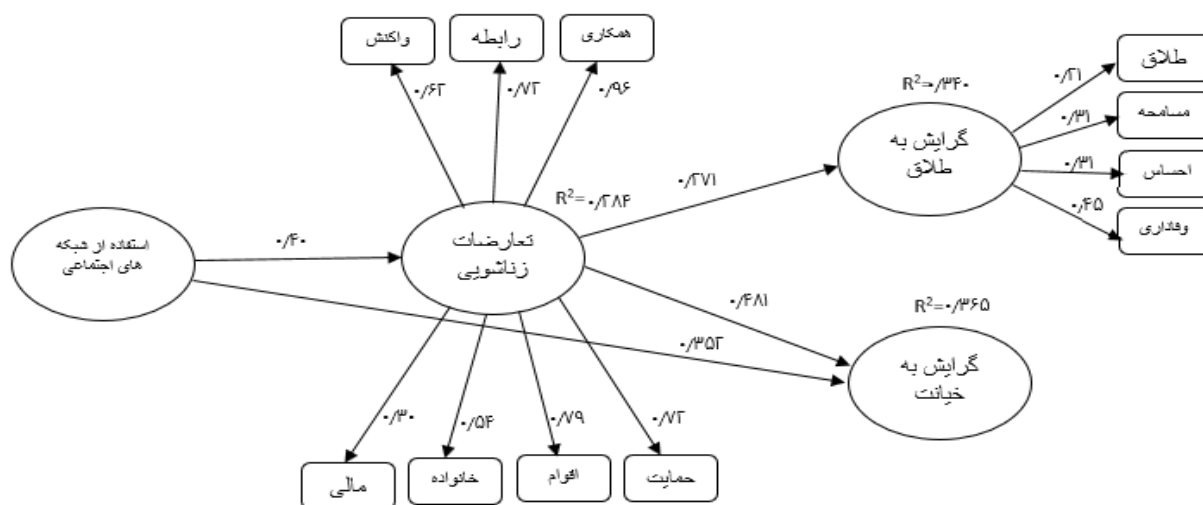
جدول ۵ نتایج بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین را نشان می‌دهد. زمانی که دو متغیر پیش بین وجود داشته باشد آماره‌های مذکور مشابه یکدیگر به دست می‌آید زیرا ضریب همبستگی مشابه ای را نسبت به یکدیگر کسب می‌کنند. در نتیجه میزان آماره حداقل تحمل برای متغیرها بالای $0/1$ و میزان عامل تورم واریانس نیز زیر 10 شده است در نتیجه می‌توان بیان کرد که همخطی میان متغیرهای پیش بین وجود ندارد و این پیش‌فرض تایید می‌شود.

تحلیل داده‌ها

در بخش تحلیل داده‌ها به بررسی مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) رابطه‌ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی در میان افراد متأهل مراجعه کننده به مرکز خدمات مشاوره و روان شناسی به روش حداکثر درست‌نمایی پرداخته می‌گردد.

¹ Vif

² Tolerance



شکل ۲: مدل نهایی معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی

شکل ۲ نتایج بررسی مدل نهایی معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی را به روش حداکثر درست نمایی نشان می دهد. همانطور که مشهود است مدل حاضر از نوع مدل اصلاح شده است. پیش از اصلاح مدل حاضر رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق با معناداری ۰/۸۴۳ و ضریب استاندارد ۰/۰۳۸ به دست آمده بود که به دلیل غیر معنادار بودن این رابطه از مدل حذف گردید و مدل اصلاح شده در پژوهش قرار گرفت. ابتدا پیش از بررسی روابط در مدل باید شاخص های برازش مدل مورد تحلیل قرار گیرند. شاخص های برازش مدل حاکی از آن است که مدل مفروض، برازش نسبتاً مطلوبی با داده ها دارد. تعدادی از این شاخص ها عبارتند از: شاخص مجذور خی ساتورا- بنتلر^۱ (χ^2)، شاخص برازش مقایسه ای^۲ (CFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۳ (RMSEA) و شاخص برازندگی غیر تطبیقی (NFI). اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد و نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از ۵ باشد، دال بر برازش بسیار مناسب است. اگر شاخص های CFI, NFI بزرگتر یا مساوی با ۰/۹۰ و شاخص RMSEA کوچکتر از ۰/۰۸ بر برازش مطلوب و خوب دلالت دارد. شاخص های برازش مدل پیشنهادی این پژوهش در جدول زیر آمده است:

جدول ۶: شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی

PNFI	RMSEA	CFI	NFI	CMIN/DF
۰/۹۱۳	۰/۰۷۸	۰/۹۲۴	۰/۹۰۲	۴/۵۶۳

جدول ۶ نتایج بررسی شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی را نشان می دهد نتایج مبین آن است که میزان شاخص نسبت خی دو بر درجه آزادی ۴/۵۶۳ شده است که از میزان ۵ کمتر است و مورد تایید قرار می گیرد. میزان شاخص RMSEA نیز ۰/۰۷۸ است که از میزان ۰/۰۸ کمتر و مورد قبول است و در نهایت میزان شاخص های NFI ۰/۹۰۲، CFI ۰/۹۲۴ و PNFI ۰/۹۱۳

^۱ Stora-Bentler Scaled Chi-Square

^۲ Comparative Fit Index (CFI)

^۳ Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

است که هر سه این شاخص‌ها از میزان ۰/۹ بیشتر می‌باشند و مورد قبول هستند. به طور کلی می‌توان بیان کرد که شاخص‌های برازش مدل مورد تایید می‌باشند و از نتایج مدل می‌توان در جهت تایید یا رد فرضیه‌های تحقیق استفاده نمود. در ادامه جدول ۴-۶ نتایج بررسی ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مستقیم رابطه ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۷: بررسی اثر مستقیم ضرایب استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	پارامتر استاندارد نشده (b)	پارامتر استاندارد شده (β)	خطای استاندارد (S.E)	آزمون معناداری (t)
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← تعارضات زناشویی	۰/۳۳۸	۰/۴۰۳	۰/۰۲۰	*۷/۲۴۰
تعارضات زناشویی ← گرایش به طلاق	۰/۲۳۰	۰/۲۷۱	۰/۰۵۹	*۳/۹۱۳
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← گرایش به خیانت	۰/۳۳۰	۰/۳۵۲	۰/۱۸۷	*۵/۳۰۷
تعارضات زناشویی ← گرایش به خیانت	۱/۷۴۳	۰/۴۸۱	۰/۳۱۰	*۸/۴۴۷

*T-value>۱/۹۶

جدول ۷ نتایج بررسی ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مستقیم رابطه ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی را در میان متاهل‌ها نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب استاندارد ۰/۴۰۳ و میزان تی ۷/۲۴۰ بر متغیر میانجی تعارضات زناشویی و با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۲ و میزان تی ۵/۳۰۷ بر متغیر درونزاد گرایش به خیانت اثر معناداری دارد زیرا میزان تی به دست آمده از میزان ۱/۹۶ بیشتر است. بدین معنا که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط افراد میزان تعارضات زناشویی و گرایش به خیانت نیز گسترش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیر میانجی تعارضات زناشویی با ضریب استاندارد بتا ۰/۲۷۱ و میزان تی ۳/۹۱۳ بر متغیر درونزاد گرایش به طلاق و با میزان ضریب استاندارد بتا ۰/۴۸۱ و میزان تی ۸/۴۴۷ بر متغیر درونزاد گرایش به خیانت اثر معناداری دارد. زیرا میزان تی این روابط از ۱/۹۶ بیشتر است مبنی بر این که با افزایش تعارضات زناشویی در میان افراد میزان گرایش به طلاق و گرایش به خیانت نیز بالا می‌رود. جدول ۴-۷ نتایج بررسی ضرایب استاندارد اثر کل، مستقیم و غیر مستقیم روابط میان متغیرها را بیان می‌کند.

جدول ۸: بررسی اثر مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثرات کل
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← تعارضات زناشویی	*۰/۴۰۳	۰/۴۰۳
تعارضات زناشویی ← گرایش به طلاق	*۰/۲۷۱	۰/۲۷۱
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← گرایش به خیانت	*۰/۳۵۲	*۰/۱۹۳	۰/۵۴۵
تعارضات زناشویی ← گرایش به خیانت	*۰/۴۸۱	۰/۴۸۱
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← گرایش به طلاق	*۰/۱۰۹	۰/۱۰۹

*T-value>۱/۹۶

جدول ۸ نتایج بررسی ضرایب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل رابطه ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی را نشان می‌دهد. همانطور که مشهود است متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی علاوه بر اثر مستقیم و معنادار بر متغیر درونزاد گرایش به خیانت با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۲ دارای اثر غیر مستقیمی بر این متغیر از راه میانجی‌گری متغیر تعارضات زناشویی نیز با ضریب استاندارد ۰/۱۹۳ می‌باشد. همچنین

میزان برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بدون آنکه اثر مستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد نهایی گرایش به طلاق داشته باشد، دارای اثر غیر مستقیم با ضریب استاندارد ۰/۱۰۹ با میانجی‌گری تعارضات زناشویی است. در نتیجه جهت سنجش معناداری این روابط غیر مستقیم در مدل حاضر از آزمون سوبل استفاده می‌گردد. فرمول آزمون سوبل عبارتند از:

$$t - \text{Value} = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

نتایج آزمون سوبل نشان داد که میزان معناداری تی اثر غیر مستقیم متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق ۲/۲۳۱ با ضریب استاندارد بتا ۰/۱۰۹ می‌باشد مبنی بر این که میزان تی محاسبه شده از میزان ۱/۹۶ بیشتر است همچنین میزان تی اثر غیر مستقیم استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت با میانجی‌گری تعارضات زناشویی ۲/۸۶۲ با ضریب استاندارد ۰/۱۹۳ است که این میزان تی نیز از ۱/۹۶ بیشتر است در نتیجه به طور کلی می‌توان بیان کرد که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی و در پس آن افزایش تعارضات زناشویی در میان افراد میزان گرایش به طلاق و خیانت نیز ارتقا می‌یابد.

نتایج مقایسه میان ضرایب استاندارد کل اثرگذار بر متغیر درونزاد نهایی گرایش به طلاق و خیانت نیز نشان می‌دهد که بالاترین میزان ضریب استاندارد کل مربوط به متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی در رابطه با متغیر درونزاد گرایش به خیانت با میزان ضریب ۰/۵۴۵ می‌باشد و بعد از آن اثر متغیر میانجی تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت با ضریب استاندارد اثر کل ۰/۴۸۱ محسوب می‌گردد.

مقدار ضرایب تعیین به دست آمده برای متغیر میانجی تعارضات زناشویی و متغیرهای درونزاد گرایش به طلاق و گرایش به خیانت در مدل نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین متغیر تعارضات زناشویی ۰/۲۸۴ است بدین معنا که متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی به میزان ۲۸/۴ درصد توانسته تغییرات متغیر میانجی تعارضات زناشویی را تبیین کند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین متغیر گرایش به طلاق ۰/۳۴۰ و برای متغیر گرایش به خیانت ۰/۳۶۵ برآورد شده است مبنی بر این که متغیرهای برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میانجی تعارضات زناشویی به میزان ۳۴ درصد قادر به تبیین متغیر گرایش به طلاق و به میزان ۳۶/۵ درصد قادر به تبیین متغیر گرایش به خیانت بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف اصلی رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت با نقش میانجی تعارضات زناشویی انجام شده است. طرح پژوهشی حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی واقع در شهر اردبیل در بهار سال ۱۴۰۲ بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و تعداد ۲۵۰ نفر انتخاب گردید. پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸)، پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی، ذاکر و دیگران (۱۳۸۷) به آن‌ها داده شد و توسط افراد نمونه تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌های خام حاصل از این پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری صورت گرفت. نتایج نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی تاثیر معنادار دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰)، رضایور، ذاکری و ابراهیمی (۱۳۹۶)، اسکندری و درودی (۱۳۹۵)، اولومی، عبداللهی و دیگران (۲۰۲۲)، گول، اقبال و دیگران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان مدل سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در خانواده‌های تهرانی نشان دادند که بین متغیر مستقل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و متغیر وابسته تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ لیکن اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق متغیرهای واسطه صمیمیت، از خودبیگانگی، دین داری، سلامت روانی و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها بر متغیر وابسته تعارضات زناشویی تأثیرگذار و دارای رابطه‌ای معنادار است. رضایور، ذاکری و ابراهیمی

(۱۳۹۶) در پژوهشی به پیش‌بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار و با خودشیفتگی و تعارض زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. شبکه‌های اجتماعی با تأثیرات منفی روی روابط زوجین و احساس آن‌ها نسبت به یکدیگر و از سویی دیگر، با تقویت خودشیفتگی، باعث مشکلات ارتباطی مختلف و کاهش احساس‌های مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و تعارضات زناشویی می‌شود. اسکندری و درودی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که با افزایش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حسب ساعت، تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق افزایش می‌یابد. اولومی، عبداللهی و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان رسانه‌های اجتماعی، مبنایی برای بی‌ثباتی زناشویی و خشونت خانگی نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی در افزایش تعارضات زناشویی و به خصوص خشونت‌های خانگی نقش مهمی دارند. گول، اقبال و دیگران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر رفتار زوج‌های متأهل پرداختند. نتایج نشان داد که اعتیاد به استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر بروز اختلافات و برخی احساسات منفی در بین زوجین و همچنین تعارضات زناشویی اثرگذار است. کمیته (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر موفقیت زناشویی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که زوج‌هایی که رابطه‌ای بر مبنای محبت و اعتماد داشتند شبکه‌های اجتماعی اثر مخربی بر رابطه آن‌ها نداشته است. اما زوج‌هایی که دارای تعارضات بوده‌اند استفاده از شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش این تعارضات و کاهش رضایت زناشویی در آن‌ها شده است. به منظور تبیین این فرضیه می‌توان گفت که استفاده از رسانه‌های اجتماعی به طور فزاینده‌ای رایج و گسترده شده است و راه‌های ارتباط، تعامل و دسترسی افراد به اطلاعات را تغییر داده است (کمپ، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، مطالعات نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی ممکن است باعث ناراحتی زناشویی شوند. همسرانی که سطوح بالای استفاده از فیس‌بوک و تعاملات مکرر شبکه‌های اجتماعی را گزارش می‌کنند، اغلب دچار تعارضات رابطه‌ای و حسادت می‌شوند (مویس و دیگران، ۲۰۰۹). همچنین زمانی که افراد بیشتر وقت خود را صرف رسانه‌های اجتماعی کنند، زمان کمتری را با همسر خود می‌گذرانند و ارتباط کمتری دارند. این افراد بودن در رسانه‌های اجتماعی را به همنشینی با همسر ترجیح می‌دهند و به مرور باعث به وجود آمدن مشکلات زناشویی می‌گردد. این افراد در فضای مجازی کسی را ندارند که به آنها توجه کند و حرف دل آن‌ها را بشنود و همسو با آنها فکر کند، بنابراین قدرت تحمل نگرش‌های مخالف خود را ندارند و در مشاجرات با همسر کوتاه نمی‌آیند و در زمان دعوا برای آرامش یافتن به فضای مجازی رجوع می‌کنند و با گذشت زمان این تعارضات زناشویی بیشتر می‌گردد.

همچنین در خصوص تعارضات زناشویی بر گرایش به طلاق نتایج نشان داد که تعارضات زناشویی بر گرایش به طلاق تأثیر معنادار دارد و فرضیه تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نیبئی آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹)، جانسون و دیگران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد. نیبئی آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین نشان دادند که سلامت خانواده اصلی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد. همچنین مهارت‌های ارتباطی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد و هر یک از متغیرهای تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق نیز به صورت مستقیم در ارتباط هستند. جانسون و دیگران (۲۰۲۳) رابطه بین راهبردهای مدیریت تعارض و احتمال طلاق را در میان زوج‌هایی که دچار پریشانی زناشویی می‌شوند را مورد بررسی قرار داد. این مطالعه نشان دادند که زوج‌هایی که از استراتژی‌های مدیریت تعارض خودتنظیم‌تری مانند ذهن‌آگاهی و تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند، نسبت به زوج‌هایی که بیشتر به راهبردهای اجتناب از تعارض یا راهبردهای حل تعارض پرخاشگرانه متکی هستند، کمتر احتمال دارد طلاق بگیرند. به منظور تبیین این فرضیه می‌توان گفت که تعارضات زناشویی عبارتند از اختلاف یا تنش بین دو فرد متأهل یا در یک رابطه متعهد. این تضادها می‌تواند به دلیل تفاوت در باورها، ارزش‌ها، اهداف و انتظارات و همچنین به هم خوردن ارتباطات، کشمکش‌های مالی، خیانت و مسائل دیگر باشد (گو و دیگران، ۲۰۱۹). زمانی که تعارضات زناشویی زیاد باشد،

زن و شوهر ممکن است در ارزش‌ها و نگرش‌ها با یکدیگر متفاوت باشد و نمی‌توانند از خودگذشتگی داشته باشند و پیوسته بحث و مشاجره دارند. این موارد اگر شدت بیشتری پیدا کند و طرفین گذشت نداشته باشند و پیوسته بحث و اختلافات بالا بگیرد منجر به طلاق می‌گردد.

در خصوص استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت نیز نتایج نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت تأثیر معنادار دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش درتاج، رجبیان ده زیره، فتح‌اللهی و دیگران (۱۳۹۷)، کمال‌جو، نریمانی، عطادوخت و دیگران (۱۳۹۵)، آدگیویگا (۲۰۲۲)، مک‌دانیل، دروین و دیگران (۲۰۱۷) و نلسون و سلاوو (۲۰۱۷) همسو می‌باشد. درتاج، رجبیان ده زیره، فتح‌اللهی و دیگران (۱۳۹۷) در بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با احساس تنهایی و خیانت زناشویی در دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با خیانت زناشویی در دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. کمال‌جو، نریمانی، عطادوخت و دیگران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان پیش‌بینی روابط فرازناشویی بر اساس هوش معنوی، هوش اخلاقی، رضایت زناشویی و استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی با نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت نشان دادند که متغیرهای پیش‌بین هوش معنوی و تراز استفاده از فضای مجازی می‌توانند رابطه فرازناشویی را به گونه معنی‌داری پیش‌بینی کنند. آدگیویگا (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر ثبات زناشویی بزرگسالان متأهل در کلانشهر ایلورین نشان داد که شبکه‌های اجتماعی با ایجاد حواس‌پرتی زناشویی، بی‌توجهی به نقش‌ها و مسئولیت‌های زناشویی، ایجاد تعارض بین همسران، تشویق به خیانت زناشویی در میان سایرین، بر ثبات زناشویی بزرگسالان متأهل تأثیر گذاشته است. نلسون و سلاوو (۲۰۱۷) در یک مطالعه تجربی در حیطة فیس‌بوک، خیانت عاطفی و خودافشایی نشان دادند که تقریباً ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان شاهد موقعیت‌هایی بوده‌اند که در آن افراد به دلیل خیانت عاطفی در فیس‌بوک از هم جدا می‌شوند یا طلاق می‌گیرند. علاوه بر این، بیش از ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان نشان دادند که در روابط قبلی خیانت عاطفی را تجربه کرده‌اند. به منظور تبیین این فرضیه می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی این امکان را به افراد می‌دهد که صفحه‌ای شخصی داشته باشند و آن را از اطلاعاتی پر کنند که دوست دارند دیگران درباره آن‌ها بدانند، به راحتی می‌شود در این شبکه‌ها با افراد جدید آشنا شد و دوستان قدیم خود را پیدا کرد، همچنین در این شبکه‌ها افراد به یکدیگر نظر می‌دهند و باهم تعامل دارند (به نقل از سلیمانی، ۱۳۹۴). زمانی که افراد یک خانواده بیش از حد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازند، روابط اعضا دچار خلل می‌شود و افراد از یکدیگر فاصله می‌گیرند و فضای خانواده به گونه‌ای می‌شود که علی‌رغم این که افراد در کنار هم زندگی می‌کنند اما با یکدیگر تعامل کمتری خواهند داشت؛ عاطفه کمتری به یکدیگر نشان می‌دهند و ارتباطات کم عمق‌تری برقرار خواهند کرد (رید چاسپاکوس، رادسکی و دیگران، ۲۰۱۶). این احتمال وجود دارد که در فضای مجازی فردی جایگزین همسر گردد و افراد به جای نثار محبت و مهریانی به همسر به فرد غریبه‌ای در فضای مجازی ابراز علاقه نمایند و یک خیانت عاطفی شکل گرفته که در گذر زمان به خیانت جنسی تبدیل می‌گردد.

در خصوص تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت نتایج نشان داد تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت تأثیر معنادار دارد و فرضیه تأیید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نیک‌منش و امیری‌مقدم (۱۳۹۹)؛ چن و دیگران (۲۰۲۳) و سولیس و دیگران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. نیک‌منش و امیری‌مقدم (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف بررسی و ارزیابی نگرش به خیانت و رابطه آن با دلزدگی و تعارض زناشویی نشان دادند که بین نگرش به خیانت با دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین نگرش به خیانت پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی می‌باشد. چن و دیگران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای نقش ناامنی دلبستگی را در رابطه بین تعارض زناشویی و خیانت بررسی کرد. این مطالعه نشان داد که در بین افراد با سطوح بالای ناامنی دلبستگی، تجربه تعارض زناشویی با احتمال بیشتری نسبت به تجربه سطوح پایین تعارض زناشویی با احتمال خیانت همراه بود. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که شناسایی و رفع ناامنی دلبستگی در زوج‌هایی که سطح تعارض زناشویی بالایی دارند، می‌تواند از وقوع خیانت جلوگیری یا کاهش دهد. سولیس و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی رابطه بین تعارض زناشویی و خیانت را در زوج‌هایی با رفتارهای جنسی پرخطر بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که زوج‌هایی که

سطح تعارض زناشویی بالایی دارند، بیشتر از زوج‌هایی که سطح تعارض زناشویی پایینی دارند، درگیر روابط خارج از ازدواج هستند. علاوه بر این، این مطالعه نشان داد که وجود علائم سلامت روان در هر یک از طرفین، احتمال خیانت را در زوج‌هایی که سطح بالایی از تعارض زناشویی دارند، بیشتر می‌کند. به منظور تبیین این فرضیه می‌توان بیان کرد که تعارضات زناشویی "بخشی از روند عادی سازگاری ایجاد شده در ازدواج است که شامل تفاوت‌ها و انتظارات است." این تضادها می‌تواند از تفاوت‌های فردی در شخصیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها ناشی شود (جانسون و لیبو، ۲۰۰۰). همچنین تعارضات زناشویی را به عنوان «تعاملات عاطفی منفی که بین زوجین در هنگام اختلافات رخ می‌دهد» تعریف می‌کنند. این تعاملات می‌تواند شامل انتقاد، تحقیر، تدافعی و سنگ اندازی باشد (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۰). خیانت را می‌توان شکلی از رابطه احساسی یا جنسی که با شخصی جز شریک زندگی برقرار می‌شود تعریف نمود (اروج و انجم، ۲۰۱۵). به تعبیر دیگر خیانت، برقراری رابطه جنسی یا وقف منابع عاطفی مانند عشق، زمان و توجه به فردی غیر از شریک زندگی است. معمولاً خیانت عاطفی از خیانت جنسی جدا در نظر گرفته می‌شود اما نمی‌توان مرز مشخصی میان این دو در نظر گرفت چرا که عموماً باهم اتفاق می‌افتند (گیتز، گنر و دیگران، ۲۰۱۷). بنابراین زمانی که تعارضات بین زوجین زیاد باشد، تفاوت بین زوجین زیاد است و نمی‌توانند همدیگر را درک کنند، ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت دارند و یکدیگر را نمی‌فهمند. بنابراین این افراد زمانی که توسط شخصی مورد توجه قرار بگیرند و آن فرد را از نظر ارزش‌ها و سلیقه‌ها همسو با خود ببینند، به سمت آن فرد کشیده شده و به آن وابستگی عاطفی پیدا می‌کنند و خیانت بوجود می‌آید.

در نهایت نتایج نشان داد تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه‌ای دارد و فرضیه تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰)، رضاپور، ذاکری و ابراهیمی (۱۳۹۶)، اسکندری و درودی (۱۳۹۵)، اولومی، عبداللهی و دیگران (۲۰۲۲)، گول، اقبال و دیگران (۲۰۱۹)، نبیانی آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹)، جانسون و دیگران (۲۰۲۳)، نیک‌منش و امیری‌مقدم (۱۳۹۹)؛ چن و دیگران (۲۰۲۳) و سولیس و دیگران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. زمانی که افراد در فضای مجازی حضور پررنگ داشته باشند و ساعات‌های طولانی با دوستان و افراد غریبه چت کنند، همواره افرادی مشابه و هم عقیده با خود پیدا می‌کنند که باعث درک شدن می‌گردد و در زمان مشاجرات زناشویی، فرد به فضای مجازی و گفتگو با افراد مورد نظر روی می‌آورد و با ارتباط برقرار کردن با دوستان مجازی خود احساس آرامش می‌کند و رفته رفته در دعوای زناشویی قدرت تحمل فرد کم شده و صبوری و از خودگذشتگی ندارد و تعارضات شدید می‌گردد. بالا رفتن تعارضات به دلیل از بین بردن حس آرامش و ایجاد مشکلات عدید منجر به گرایش به افرادی غیر از همسر برای ارضای نیازهای محبت و جنسی می‌گردد و در یک‌سری از افراد منجر به تصمیم طلاق برای رهایی از درگیری‌ها و سختی‌ها می‌گردد. در نهایت با توجه به نتایج مقاله به محققین آتی پیشنهاد می‌گردد که تحقیق حاضر با همین موضوع در سال‌های آینده در سایر شهرها و با سایر روش‌های نمونه‌گیری انجام گیرد. همچنین در پژوهش‌های آینده بررسی رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت با نقش میانجی تعارض زناشویی با کنترل سن و سطح تحصیلات بررسی گردد.

در خصوص پیشنهاد‌های کاربردی نیز موارد زیر به موارد زیر توجه ویژه ای گردد تا گرایش به طلاق و خیانت کاهش یابد.

- پرداختن به علل ریشه‌ای تعارضات زناشویی و ارتقای مهارت‌های ارتباطی سالم و حل مسئله در مراکز مشاوره می‌تواند خطر خیانت را در زوج‌های پرخطر کاهش دهد.
- تلاش نهادهای مسئول در جهت افزایش سواد رسانه‌ای و آگاه‌سازی زوجین از آسیب‌ها و تهدیدات احتمالی شبکه‌های اجتماعی که یکی از بسترهای مناسب تحقق این امر، می‌تواند دو واحد درس عمومی دانش خانواده در دوره کارشناسی باشد.
- داشتن حساب کاربری مشترک و استفاده همراهمانه از این فناوری بدون پنهان کاری و خصوصی کاری
- عدم استفاده یا حداقل استفاده از شبکه‌های اجتماعی در شرایطی که معنای ضمنی آن عدم توجه به حضور همسر است.

➤ رعایت رفتار عفیفانه در فضای مجازی و حفظ فاصله عاطفی با مردان و زنان غیرمحرّم.

منابع

- پیکانیان، ر و فرهادی، ه. (۱۳۹۵). بررسی اعتیاد به اینترنت میزان استفاده از پیام رسانهای آنلاین و خیانت‌های اینترنتی به عنوان پیش‌آیند طلاق در زوجهای در آستانه طلاق و مطلقه‌ی شهر اصفهان پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱۷(۱): ۴۴-۵۶.
- پیکانیان، ر و فرهادی، ه. (۱۳۹۶). بررسی اعتیاد به اینترنت، میزان استفاده از پیام‌رسان‌های آنلاین و خیانت‌های اینترنتی به عنوان پیش‌آیند طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه شهر اصفهان. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱۷(۱): ۸۱-۹۰.
- رحیمی، م؛ شکرپیگی، ع؛ ساروخانی، ب و حضرتی، ز. (۱۳۹۶) بررسی جامعه شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۵(۸): ۶۷-۸۳.
- رضاپور، ر؛ ذاکری، م و ابراهیمی، ل. (۱۳۹۶). پیش‌بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی. خانواده پژوهی، ۱۳(۲): ۱۹۷-۲۱۴.
- سلیمانی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری تحصیلی احساس تنهایی و سلامت روان در دانش‌آموزان پسر سوم دبیرستان شهر قم پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فریبرز، ز؛ ساروخانی، ب و حضرتی صومعه، ز. (۱۴۰۰). مدل سازی معادلات ساختاری تاثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در خانواده‌های تهرانی. تغییرات اجتماعی-فرهنگی، ۱۱۸(۱): ۱۳۱-۱۵۸.
- گنجی، م؛ نیازی، م و ملک پور شهرکی، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی اینترنت ماهواره بر از هم گسیختگی خانواده در شهر کرد. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴(۱): ۶۲-۷۳.
- مجردی، و؛ اسلامی، ع و جمال، س. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بین دانشجویان استان خراسان شمالی فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ۸۵-۹۹.
- نبیئی، آ؛ حسینی، س؛ کاکابرای، ک و امیری، ح. (۱۳۹۹). الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۱): ۹-۱۷.
- نیک‌منش، ز و امیری‌مقدم، دین‌محمد. (۱۳۹۹). بررسی و ارزیابی نگرش به خیانت و رابطه آن با دلزدگی و تعارض زناشویی. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲۴(۳): ۳۷-۵۲.
- Ali, P. A., McGarry, J., & Maqsood, A. (2022). Spousal role expectations and marital conflict: perspectives of men and women. *Journal of interpersonal violence*, 37(9-10), NP7082-NP7108.
- Atapour, N., Falsafinejad, M. R., Ahmadi, K., & Khodabakhshi-Koolae, A. (2021). A study of the processes and contextual factors of marital infidelity. *Practice in Clinical Psychology*, 9(3), 211-226.
- Borst, J. B. (2015). A systematic review of the effects of family conflict: Focusing on divorce, infidelity, and attachment style.
- Clayton, R. B. (2014). The third wheel: The impact of Twitter use on relationship infidelity and divorce. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 17(7), 425-430.
- Cohen, T. F., & Strong, B. (2020). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage learning.

- Ferrier, S. (2020). *Marriage*. Outlook Verlag.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., Davila, J., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2015). Spiritual intimacy and relationship satisfaction in long-term marriages: Influences of gender and attachment. *Journal of Family Issues*, 36(3), 387-411.
- Fye, M. A., & Mims, G. A. (2019). Preventing infidelity: A theory of protective factors. *The Family Journal*, 27(1), 22-30.
- Gao, M., Du, H., Davies, P. T., & Cummings, E. M. (2019). Marital conflict behaviors and parenting: Dyadic links over time. *Family relations*, 68(1), 135-149.
- Gottman, J. M. (2014). *What predicts divorce?: The relationship between marital processes and marital outcomes*. Psychology Press.
- Guitar, A. E., Geher, G., Kruger, D. J., Garcia, J. R., Fisher, M. L., & Fitzgerald, C. J. (2017). Defining and distinguishing sexual and emotional infidelity. *Current Psychology*, 36, 434-446.
- Gull, H., Iqbal, S. Z., Al-Qahtani, S., Alassaf, R. A., & Kamaleldin, M. M. (2019). Impact of social media usage on married couple behavior a pilot study in Middle East. *International Journal of Applied Engineering Research*, 14(6), 1368-1378.
- Härkönen, J. (2014). *Divorce: Trends, patterns, causes, and consequences*. The Wiley Blackwell companion to the sociology of families, 303-322.
- Jain, S., & Bhatia, R. (2015). Impact of social media on marital quality amongst army couples. *Indian Journal of Applied Research*, 5(10), 1-3.
- Johnson, L. N. (2018). Intergenerational family systems theory. In *Innovations and Advances in Family Therapy for Eating Disorders* (pp. 13-31). Routledge.
- Johnson, M. D., Woodruff, E., & Fincham, F. D. (2023). Self-regulatory Conflict Management and the Likelihood of Divorce Among Couples Experiencing Marital Distress. *Journal of Family Psychology*, 37(1), 87-96.
- Johnson, S. M., & Lebow, J. L. (2000). The coming apart of intimate relations: A contextual perspective. In S. Duck (Ed.), *Handbook of personal relationships* (2nd ed., pp. 507-524). John Wiley & Sons.
- Keles, B., McCrae, N., & Grealish, A. (2020). A systematic review: the influence of social media on depression, anxiety and psychological distress in adolescents. *International Journal of Adolescence and Youth*, 25(1), 79-93.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in human behavior*, 66, 88-95.
- Nursyifa, A. (2020). Shifting Causes of Divorce in Indonesia Due to Social Media In Sociological Perspective. *Solid State Technology*, 63(2s).
- Olawumi, K., Abdullahi, H. I., & Oyinlola, O. A. (2022). Social Media, A Basis for Marial Instability Domestic Violence in Ota, Ogun state, Nigeria. *African Journal for The Psychological Studies of Social Issues*, 25(3).
- Reid Chassiakos, Y. L., Radesky, J., Christakis, D., Moreno, M. A., Cross, C., Hill, D., ... & Swanson, W. S. (2016). Children and adolescents and digital media. *Pediatrics*, 138(5).
- Sadeghi SoheilaIrfan Menesh Iman, , (2013). Situationism and Discourse Analysis of Social Theoreticians from the Ideal Family in Iran, *Quarterly Journal of the Social Cultural Council of Women and Family*, 15th year / No. 58
- Sahni, S. P., & Jain, G. (2018). An overview: Internet infidelity. *Internet Infidelity: An Interdisciplinary Insight in a Global Context*, 1-12.

- Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26, 355-369.
- Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26, 355-369.
- Shafer, K., & Keith, P. M. (2014). Job status, unemployment, and extramarital sex. *Journal of Marriage and Family*, 76(2), 338-352.
- Solis, J. G., Pérez-Fuentes, M. d. C., Molero, M. M., Gázquez, J. J., & Carrión, J. J. (2022). Marital conflict and infidelity in couples with high-risk sexual behaviours: The role of mental health symptoms. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(1), 234.
- Urooj, A., & Anjum, G. (2015). Perception of Emotional and Sexual Infidelity among Married Men and Women. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 30(2).
- Wagner, A., Mosmann, C. P., Scheeren, P., & Levandowski, D. C. (2019). Conflict, conflict resolution and marital quality. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 29.
- Wagner, M. (2020). On increasing divorce risks. *Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups*, 37-61.
- Wagner, M. (2020). On increasing divorce risks. *Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups*, 37-61.
- Wang, Y. H., Haslam, M., Yu, M., Ding, J., Lu, Q., & Pan, F. (2015). Family functioning, marital quality and social support in Chinese patients with epilepsy. *Health and quality of life outcomes*, 13(1), 1-8.
- Widiartari, M. M., Utari, P., & Nurhaeni, I. D. A. (2019, August). Social media effect on divorce. In 1st Annual International Conference on Social Sciences and Humanities (AICOSH 2019) (pp. 162-167). Atlantis Press.
- Widiartari, M. M., Utari, P., & Nurhaeni, I. D. A. (2019, August). Social media effect on divorce. In 1st Annual International Conference on Social Sciences and Humanities (AICOSH 2019) (pp. 162-167). Atlantis Press.